آموزش شهروندی و رویکرد محله محوری: نقش نهادها و ارکان محله‌ای در آموزش شهروندی

مصطفی حسین‌آبادی */ علی‌اکبر تقوایی**

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۰۸/۲۰
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۷/۱۲/۲۳

چکیده:

کشور ایران با دارا بودن سابقه هفت‌هزار ساله شهرنشینی از پیشینه درخشانی در این زمینه برخوردار است، اما همزمان با این امر، شهروندی و مفهوم آن در بستر زمان درکشور ما پیشرفت مناسبی نداشته است. بسیاری از شهر نشینان با اینکه در حوزه جغرافیایی شهر ساکن هستند از حقوق و تکالیف خود بی‌اطلاع هستند. اکنون باید این سوال را مطرح کرد که برای تسهیل فرایند تبدیل شهرنشینان به شهروندانی مشارکت‌جو و فعال در عرصه عمومی که به حقوق خود واقف باشند چه باید کرد؟ همانگونه که هر هنر و مهارتی نیاز به تمرین و ممارست دارد شهروند شدن نیز مانند بسیاری از مفاهیم و صورت‌های دست‌ساخته بشر نیاز به یاد گیری و آموزش و سپس تمرین دارد.

رویکرد محله محوری در واقع سپردن بخشی از امور به نهادهای محله‌ای است. در تاریخ شهرنشینی محله همواره به عنوان عنصر تنظیم روابط شهروندی نقشی فعال و موفق داشته است. در این مقاله سعی شده است ضمن بیان مفاهیم شهروندی و اهمیت آموزش آن، نقش هر یک از نهادها و ارکان محله‌ای در آموزش صحیح شهروندی بیان گردد.

مقدمه و فرض تحقیق

با شکل گیری جامعه مدنی در عصر حاضر شهروند موقعیتی برتر و متفاوت از ساکن شهر یافته، او کسی است که در تصمیم گیریها آگاهانه و داوطلبانه شرکت می‌کند. شهروندی در دنیای امروز با مفاهیمی عجین گشته که به راحتی و بی‌تفاوت نمی‌توان از کنار آن گذشت. جهانی شدن، دهکده جهانی، گسترش لحظه‌ای اطلاعات و دنیای اطلاع رسانی، حقوق بشر، گفتگوی تمدنها، محیط زیست و ... همه و همه بار مسئولیت ها و حقوق نهفته در آداب و مهارت‌های شهروندی را فزونی بخشیده است. شهروندان آگاه به وظیفه و آشنا به حقوق خود می‌توانند مشارکتی خردمندانه و تأثیرگذار را در فضای اجتماع ایجاد کنند و تحولاتی را در عرصه زندگی جتماعی، فرهنگی،

* دانشجوی کارشناسی ارشد شهرسازی دانشگاه تربیت مدرس تهران.
** استادیار گروه شهرسازی و عضوهیأت علمی دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس تهران و معاون پژوهشی دانشگاه تربیت مدرس.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-07]

اسیاسی و فردی خود رقم زنند که پایه های توسعه پایدار را تقویت نماید. شهروندانی که فاقد چنین اطلاعاتی هستند و به وظایف و حقوق مدنی و اجتماعی خود آگاهی لازم را ندارند نه می‌توانند مشکلات خود را حل کنند و نه قادرند که باری از دوش دولت بردارند، بر این اساس انتظار می‌رود که هر جامعه‌ای حداقل امکانات و وسایل را به منظور آموزش شهروندان خود فراهم آورد و آنان را به وظایف و مسئولیت‌های خود آشنا کند.

با شکل‌گیری جامعه مدنی در عصر حاضر شهروند موقعیتی برتر و متفاوت از ساکن شهر یافته، او کسی است که در تصمیم‌گیری‌ها آگاهانه و داوطلبانه شرکت می‌کند

سؤالی که در این مقاله باید پاسخ داده شود این است که از رویکرد محله محوری چگونه می‌توان در جهت آموزش شهروندان و آگاه ساختن آنها نسبت به حقوق و تکالیفشان بهره جست؟ وظایفی که برای هر یک از نهادهای محله‌ای می‌توان در نظر گرفت چه مواردی هستند و مشارکت محله‌ای شهروندان در تحقق آموزش شهروندی چه نقشی دارد؟

امروزه موضوع اجتماعات محلی و نحوه ساماندهی آنها جایگاه مهمی در جامعه شناسی شهری و به تبع آن شهرسازی و مدیریت شهری پیدا کرده است. صاحبنظران براین عقیده‌اند که اجتماعات محلی و نهادهای مردم محور می‌توانند با ارائه رفتارهای جدید و نهادینه ساختن آنها در جوامع، نقش موثری در ایجاد و بازتولید مفهوم شهروندی ایفا نمایند. به نظر آنتونی گیدنز[1] موضوع اجتماع محلی صرفاً شعاری انتزاعی در جامعه مدنی و تلاش برای احیای همبستگی نیست، بلکه وسیله ای برای پیشبرد نوسازی اجتماعی و کالبدی محله‌ها و شهرها و مناطق مهم شهری محسوب می شود. در واقع احیای جامعه مدنی و تأمین دموکراسی بدون احیای اجتماعات محلی، محافظت از حوزه محلی و تأمین مشارکت محلی امکان پذیر نخواهد بود.

شهروند و حقوق شهروندی

یک شهروند، عضو رسمی یک شهر، ایالت یا کشور است که ضمن آگاهی از حقوق خود واجد توانایی انتقاد، مباحثه و مشارکت باشد و وظایف خویش در قبال حقوق شهروندی را نیز بشناسد و به انجام برساند. شهروند[2] «فردی است در یک رابطه متقابل با دولت، که از سویی دارای حقوق سیاسی و مدنی است و از سوی دیگر، در برابر دولت وظایفی به عهده دارد» (امین،۱۳۷۹، ص۲۲۱). آنتونی گیدنز تعریف دیگری از شهروندی دارد که می‌گوید؛ «شهروند عضو یک اجتماع سیاسی است، که دارای حقوق و وظایفی در ارتباط با این عضویت است» (گیدنز،۱۳٦۷، ص ۷۹۵).

اگر چه ملیت را اغلب به معنای شهروندی بکار می‌برند، لیکن ملیت معنای وسیعتری از شهروندی دارد. ملیت نیز به معنای رابطه داشتن با یک دولت اما نه به معنای داشتن حقوق سیاسی در داخل، بلکه به معنای برخورداری از مزیت حمایت دولت در خارج از کشور است. همچنین، شهروندی را با اقامت دائمی و شهروند را با مقیم نباید اشتباه کرد. کسی، چه بسا شهروند کشوری باشد، بی آنکه در آن کشور اقامت داشته باشد یا مقیم کشوری باشد، بی آنکه

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-07]

شهروند آن محسوب گردد. از نظر قانون مدنی ایران، اشخاصی که تابعیت ایرانی را تحصیل می‌کنند، شهروند ایرانی محسوب می‌شوند و از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است بهره مند می‌شوند لیکن نمی‌توانند به برخی مقامات من جمله ریاست جمهوری و قوه قضائیه، وزارت، استانداری، فرمانداری، قضاوت، نمایندگی مجلس و شوراهای اسلامی شهر و ... نائل گردند.

یک شهروند، عضو رسمی یک شهر، ایالت یا کشور است که ضمن آگاهی از حقوق خود واجد توانایی انتقاد، مباحثه و مشارکت باشد و وظایف خویش در قبال حقوق شهروندی را نیز بشناسد و به انجام برساند

حقوق شهروندی آمیخته‌ای است از وظایف و مسئولیت‌های شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت یا قوای حاکم و همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه تامین آن حقوق بر عهده مدیران شهری (شهرداری)، دولت یا به طور کلی قوای حاکم می‌باشد. به مجموعه این حقوق و مسئولیت‌ها، «حقوق شهروندی» اطلاق می‌شود. بنابراین، این واژه اعم از حقوق سیاسی، مدنی و اجتماعی است. مفهوم شهروندی حاوی یک تضاد است، بدان معنا که این مفهوم علاوه بر حقوق، دربردارنده وظایف و تعهدات نیزمی‌باشد. جذابیت شهروندی صرفاً به خاطر منافعی نیست که به فرد می‌رساند. این ایده نمی تواند صرفاً مجموعه حقوقی باشد که فرد را از تعهد به دیگران رها کند (بشریه، ۱۳۸۰).

ضرورت آموزش شهروندی[۳]

شهروندان از حقوقی برخوردار هستند ولی لزوماً از آن اطلاع ندارند. در حقیقت در آموزش شهروندی، ما شهروندان را از حقوق و آزادی‌هایی که دارند، مطلع می‌کنیم. همان‌طور که ممکن است آنان را نسبت به حقوق و آزادی‌های دیگران آگاه کنیم و در مرحله سوم، شهروندان را به اقدام عملی در جهت تحقق حقوق و آزادی‌های خود و دیگران تشویق می‌کنیم.

آموزش حقوق و تکالیف‌شهروندان برای مدیریت شهری یک اهتمام بلندمدت و بی‌وقفه محسوب می‌شود. که در این عرصه مردم از طریق نهادهای گوناگون فرهنگی، اجتماعی و رسانه‌های عمومی با حقوق خود در عرصه‌های شهر و اجتماع آشنا می‌گردند و به موازات آن مسئولیت‌های خویش را نیز خواهند شناخت. آموزش شهروندی موضوعاتی چون شهروند و امکانات عمومی، حقوق شهروندی، شهروند و مردم، مشارکت اجتماعی، محیط زیست، شهر شاداب، ترافیک، زیباسازی شهر، بهداشت شهری، پرداخت عوارض و ایمنی، آمادگی شهری، گردشگری و غیره را دربر می‌گیرد. هر چند آموزش این موضوعات هزینه‌ای را بر ما تحمیل می‌کند، اما هزینه آموزش شهروندان به مراتب کمتر از هزینه‌ای است که شهروندان و مدیران شهری آموزش ندیده بر پیکره شهر وارد می‌کنند. آموزش شهروندی بطور غیررسمی در خانه یا محل کار یا کارگاه‌های آموزشی و یا بطور رسمی بصورت سرفصل درسی مجزا در مدارس و حتی مدارس ابتدایی و یا بصورت رشته تحصیلی دانشگاهی در واقع به شهروندان می‌آموزد که چگونه یک شهروند فعال، آگاه و مسئولیت‌پذیر باشند. در واقع مبنای این آموزش‌ها پرورش یک شهروند

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-07]

نمونه یا شهروند خوب یا ارائه یک الگوی شهروندی نیست، بلکه به آنان می‌آموزد که چگونه تصمیمات خود را با توجه به مسئولیت‌هایشان در قبال اجتماع و زندگی فردی خود اتخاذ نمایند.

همچنین برای اینکه دولت‌ها بتوانند به نحو موثری وظایف خود را انجام دهند شهروندان باید به بسیاری از قوانین و مقررات، از جمله قوانین مربوط به پرداخت مالیات‌ها و تعهداتی چون انجام خدمت وظیفه و قوانین مربوط به حفظ اموال عمومی، رعایت بهداشت، مقابله با حوادث و بسیاری از حقوق اجتماعی دیگر و مسائل مربوط به آن آشنایی داشته باشند. اهداف ویژه آموزش شهروندی:

- کسب هویت فردی، ملی و جهانی
- افزایش نظم اجتماعی و انضباط اخلاقی
- افزایش روحیه مشارکت
- کاهش ناهنجاری اجتماعی
- وجود آگاهی کافی درباره ضروریات زندگی شهر نشینی
- توسعه روابط رسمی و غیر رسمی مردم با مجموعه مدیریت شهری
- کمک به حل مشکلات شهری و تلاش برای بهتر زیستن
- بهسازی اجتماعی و ایجاد شهری سالم

شهروندی در ایران

با انقلاب مشروطیت، بحث حقوق شهروندی آن هم بدون عنایت به مسؤولیت‌ها و وظایف آن و بدون آموزش همگانی مطرح گردید. انجمن‌های تشکیل‌شده در دوران مبارزات مشروطیت، نماد حکومت محلی و دخالت مردم بر سرنوشت خود تلقی شده و قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی که مفصل‌تر از قانون اساسی است، چون الحاقیه‌ای به قانون اساسی اضافه می‌شود تا شهروندی جایگاه مناسب خود را بیابد.

اساسی‌ترین و آشکارترین قوانین شهروندی در جامعه ایران، احترام به حقوق دیگران، وقت‌شناسی، عدم ایجاد مزاحمت در انواع مختلف آن، حفظ محیط‌زیست، ایجاد فضا و محله سالم، پیشگیری از هرگونه آلودگی از نوع محیطی و صوتی، مشارکت در اداره شهر و جلوگیری از تخریب اموال عمومی است

تا قبل از این در ایران، شهروندی تنها از منظر شهر و شهرنشینی مطرح می‌گردید و شهروندی رابطه متقابل یک شهرنشین با شهر و مدیران شهری و شهرداری دیده می‌شد و حقوق شهروندی را در گرو تصویب نقشه جامع شهر می‌دیدند. اما استفاده از واژه شهروند و شهروندی یا حقوق شهروندی در سال‌های اخیر در میان حقوقدانان و مجامع قانونی و حقوقی دید جامعتری یافت. در سال ۱۳۸۳ قانونی با عنوان «احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» به تصویب مجلس رسید و به نام «بخشنامه حقوق شهروندی» در قوه قضائیه، دستورکار واحدها گردید. رئوس مهم این قانون درباره نحوه بازداشت و بازجویی و منع شکنجه و رفتار با متهمان توسط ضابطین و مجریان قضایی بود (بخشنامه حقوق شهروندی؛ قوه قضائیه).

اساسی‌ترین و آشکارترین قوانین شهروندی در جامعه ایران، احترام به حقوق دیگران، وقت‌شناسی، عدم ایجاد مزاحمت در انواع مختلف آن، حفظ محیط‌زیست، ایجاد فضا و محله سالم، پیشگیری از

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-07]

هرگونه آلودگی از نوع محیطی و صوتی، مشارکت در اداره شهر و جلوگیری از تخریب اموال عمومی است که باید با ایجاد زمینه‌های فرهنگی جدید و دقت لازم در اجرای قوانین، بنیاد قوانین شهروندی را هرچه بیشتر تقویت و آن را برای دهه‌های آینده نهادینه کنیم. یکی از روشهایی که می‌تواند نسخه ایرانی شهروند مداری را تجلی بخشد ایجاد احساس توطن و تعلق به مکان و محیط زندگی است، احساسی که در شهرهای امروزی با اصل قرار گرفتن معیارهای مادی زندگی به شدت مخدوش و حتی مضمحل گردیده است.

رویکرد محله محوری و آموزش شهروندی

به نظر ایستوارت[4] مهم ترین وظیفه مقامات محلی و حکومت های محلی برای تقویت و بهبود اجتماع محلی وحکومت های محلی کارامد و موثر «شهروندی سازی[5]» است. شهروندسازی یعنی فراهم کردن امکانات، تسهیلات و سازوکاهای لازم برای شهروندان تا آنها از حقوق شهروندی شان بهره مند گردند و بتوانند به نحوی مناسب وظایف و تکالیف شهروندی خود را در قبال جامعه محلی که در آن زندگی می کنند انجام دهند (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰).

تمرکززدایی ومحلی‌گرایی در واقع سپردن امور محلی به واحدهای کوچکتر و مردم است که باعث ایجاد واحد محلی در نظام مدیریت و اداره امور شهرها می‌شود. محله بخشی از تقسیم‌بندی کالبدی، فرهنگی شهر با حوزه یا فضای جغرافیایی مشخص، وابستگی‌ها، علاقه ها، احساسات، تعلق اجتماعی، روابط همسایگی و الگوی مشترک زندگی است که در استیلای سلسله مراتب فضای شهر قرار دارد. محلات معمولاً دارای همگونی‌اند که بر ویژگیهای قومی، نوع مسکن، ارزش های اقتصادی و یا ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی این واحدها دلالت دارد که با دگرگون شدن این متغیرها تمایز میان محلات آشکار می گردد. در شهرسازی و شهرنشینی دوران جدید، به دلیل تسلط اقتصاد صنعتی و وسایل حمل و نقل ماشینی و گسترش وسیع ابعاد کالبدی شهر، مقیاسهای انسانی تا حدود زیادی اعتبار خود را از دست داده است. در واقع با پیدایش اتومبیل، مفهوم محله که اساس شکل گیری طبعیی شهرهای قدیم بود، در هم ریخته است چرا که ذات محله با تجمع اشتراک و روحیه جمعی عجین است، در حالی که اتومبیل طالب جدایی، انفصال و استقلال است در نتیجه نظام محله بندی با آشفتگی و عوارض نا مطلوب روبرو شد.

محله بخشی از تقسیم‌بندی کالبدی، فرهنگی شهر با حوزه یا فضای جغرافیایی مشخص، وابستگی‌ها، علاقه‌ها، احساسات، تعلق اجتماعی، روابط همسایگی و الگوی مشترک زندگی است که در استیلای سلسله مراتب فضای شهر قرار دارد

تاکید بر نقش محله و باهمستان‌ها و ظهور برنامه‌ریزی محله مبنا به گونه‌ای دیگر و در راستای سیاست‌ها و خط مشی‌های پیشنهادی سازمان ملل نیز دنبال شده است؛ در دومین همایش سکونتگاه‌های انسانی(هبیتات)[6] که در سال۱۹۹۶ در استانبول برگزار شد بر این نکته تاکید شده است که جهان در حالی به قرن بیست و یکم وارد می‌شود که شهرها ابعاد گسترده‌تری ازنظر حجم فیزیکی و تنوع مسائل اجتماعی و اقتصادی پیدا کرده‌اند و این تحولات تمام

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-07]

کسانی که در رابطه با برنامه‌ریـزی شـهری و مـدیریت شهری دخیل بوده را به چالش فراخوانده است. آموزش شهروندی در محله‌ها سـبب تحکـیم روابـط و آشـنایی بیشتر ساکنان محله خواهد شد. مردم یک محله در بهبود کیفیت محیط محله‌شان و امنیت اساسـی آن، دسـت بـه تشکیل نهادهـای مـشارکتی و اجتمـاعی مـی‌زننـد. ایـن نهادهـای مـشارکتی شـورای محلـه، انجمنهـای محلـی، مدارس و مساجد را در برمی‌گیـرد. در ادامـه نقـش هـر یک از این نهادها و ارکان محله‌ای بیان خواهد شد.

نقش مسجد محله در آموزش شهروندی

نهادینه نمودن رفتارها و آداب شـهروندی در افـراد تنهـا از طریـق آمـوزش رسـمی و غیررسـمی تـأمین نمی شود، بلکه درک صحیح و درسـت مـا از گذشـته و میراث هویتی مـان (ملـی ـ دینـی)، نیـز مـی‌توانـد در مـداومت و اسـتمرار فهـم شـهروندی و جایگـاه آن، ثمربخش و مفید فایده باشد. مـسجد یکـی از فـضاهای عمومی است که نقش زیادی در ایجـاد نظـم عمـومی و امنیـت محلـه دارد و یـک نهـاد بـسیار مناسـب بـرای جلوگیری از بروز جرم وجنایت وایجاد امنیت در سطح محله است. مسجد به عنوان فضایی بـا تنـوع فعالیتهـا و محل برگزاری بسیاری از مراسم مذهبی-فرهنگی جشنها واعیاد و تصمیمات مشارکتی مردم در زمینه اداره وکنترل محله، نقطه اتصال شـهروند در اداره امـور محلـه خـود است. با برگزاری جلسات آموزش شهروندی در مساجد و پیوند مناسب بـین مفهـوم شـهروندی و تعـالیم دینـی می‌توان از توان بالقوه آنها در این زمینه استفاده کـرد. در مسجد می‌توان جایگاه حقوق و تکالیف شهروندی را در اسلام به شهروندان متذکر شد که این امر باعث خواهـد شد آموزش‌ها تأثیر به مراتب بهتری داشته باشد.

آموزش شهروندی در مدارس محله

گروه‌هـای قابـل تـوجهی از نوجوانـان و جوانـان دانش آموز ایرانی دچار ضعف‌های اساسی در هویـت اجتماعی و مدنی و گرفتار نگرش هـای ضـداجتماعی و خلافکـاری و روحیـه سرکـشی هـستند. در چنـین وضعیتی، آموزش حقـوق و مـسئولیت‌هـای محلـی و ملـی و جهـانی در جوانـب گونـاگون شـهروندی در برنامه‌های درسی و فعالیت‌هـای کـلاس و مدرسـه و آموزش رفتار مبتنی بر تفکر درست، مسئولیت‌پـذیری و تصمیم گیری اندیشمندانه ضرورت دارد. برای ایـن منظور، نگرش آموزش و پرورش به برنامه‌های درسی و فعالیت‌های کـلاس و مدرسـه در آمـوزش عمـومی باید تغییر یابد و افزون بر آموزش‌های درسی، تحکیم هویت و نظام ارزشی انسانی و دینی و ملـی، آمـوزش شهروندی و مهارت‌های زندگی فـردی و اجتمـاعی و اقتصادی و علمی و فرهنگی را نیز محور برنامـه‌هـای آموزشی و تربیتی قرار دهد.

آموزش شـهروندی محلـی و ملـی و جهـانی بـه دانش آموزان، بخشی مهـم از ایـن برنامـه‌هاسـت. در واقع آموزش مفاهیم شـهروندی آن هـم بـه طریـق و شیوه‌ای غیرمستقیم و غیررسـمی، پـس از ورود فـرد به جامعه، تمرین و مشقی است که کودکان، نوجوانان و جوانان امروز در آینده‌ای نه چندان دور در کـسوت بزرگسالی و در نقوش گـوناگون اجتماعی در جامعـه ایفا خواهند نمود.

در کشورهای توسعه یافتـه مفـاهیم شـهروندی از دوران کودکی تـا نوجـوانی آمـوزش داده مـی‌شـود و دولت نیز آمـوزش‌هـای لازم را در اختیـار والـدین و معلمـان قـرار مـی‌دهـد. در انگلـیس از سـال ۲۰۰۲ میلادی، آمـوزش شـهروندی و آشـنایی بـا آن بطـور

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-07]

رسمی در برنامه درسی مدارس از سنین ۱۱ تا ۱۶ سالگی قرار گرفت. اهداف این آموزش‌ها عموما موارد ذیل است:

- آشنایی با حقوق و مسئولیت‌های شهروندی
- بحث و بررسی درباره سرفصلها و موضوعات مهم شهروندی
- فهم و شناخت جامعه و آشنایی با فعالیتهای اجتماعی[۷]

انجمن‌ها و نهادهای محلی و آموزش شهروندی

مقوله‌ای که بسیاری از صاحبنظران بر آن تاکید داشته‌اند تقویت و اهمیت نقش سطوح محلی[۸] و حضور انجمن‌ها و نهادهای مدنی در عرصه تصمیم‌گیری با تاکید بر نقش شهروندان و مشارکت واقع آنها در عرصه فعالیت‌ها و اقدامات روزمره است (حاجی پور، ۱۳۸۵). انجمن‌ها نهادهایی هستند که شهروندان در جوامع معاصر برای پیشبرد علائق و منافع مشترک خود تشکیل می‌دهند. همچنین حوزه‌های مذکور می‌باید در دسترس عموم مردم باشند و امکان حضور و مشارکت عامه در آنها موجود می باشد (بشریه، ۱۳۸۰،ص۹٤) مستقل بوده و بدون اتکا به دولت اداره شوند، علاوه بر این سازماندهی درونی آنها نیز دموکراتیک باشد.

به کارگیری رویکرد محله گرایی بیش از هر چیز نیازمند انسجام و یکپارچگی ساکنین در یک اجتماع محله‌ای و تقویت بسترها و زمینه‌های هویت ساز محله‌ای است. نهادهای محلی، سازمان‌های غیردولتی (NGOs)[۹] و تشکل‌های داوطلب محلی(CBOs)[۱۰]، عناصر کلیدی این نوع نگرش است. بدون ایجاد این عناصر دستیابی به رویکرد فوق‌الذکر عملی نخواهد بود (حاجی پور، ۱۳۸۵). این گونه نهادهای مدنی سبب تمرکززدایی از تصمیم‌گیری، اجرا و ارزیابی برنامه‌های مختلف می‌شوند و به دلیل اینکه گروه‌های مختلف مردم در مورد امور اظهار نظر تصمیم‌گیری و مشارکت دارند هم احتمال خطا کاهش می‌یابد و هم باری از دوش دولت و نهادهای عمومی دولتی برداشته می‌شود.

بر اساس تحقیقات به عمل آمده اعضای انجمن‌های محلی(مانند شورای محله) کمال سیاسی، اعتقاد اجتماعی، مشارکت و قابلیت مدنی ذهنی بیشتری از خود نشان می‌دهند. مشارکت در سازمان‌های مدنی مهارت‌های همکاری و نیز حس مسئولیت مشترک برای کوشش جمعی را در افراد ایجاد می‌کند. به علاوه وقتی افراد عضو گروه‌های مختلفی باشند که دارای اهداف و اعضای متفاوتی هستند طبیعتاً به واسطه تعامل و فشارهای متقاطع دیدگاه‌هایشان تعدیل می‌شود (اطاعت، ۱۳۷٦، ص ۱۲۸).

مشارکت در سازمان‌های مدنی مهارت‌های همکاری و نیز حس مسئولیت مشترک برای کوشش جمعی را در افراد ایجاد می‌کند

کارهای گروهی و تصمیم گیریهای جمعی باعث می‌شود که افراد ضمن‌یادگیری نحوه برخورد با مسائل، از طریق تصمیمات واقعی خود نظراتشان را به گوش مسئولان رسانده و با پیگیری‌هایشان به عنوان شهروند فعال، در سرنوشت جامعه خود مشارکت و تاثیر داشته باشند. مسئولان و مدیران شهری برای بهره‌مند شدن از نظرات شهروندان و

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-07]

مشارکت آنان در امور محلـه و منـاطق و منطـق شـهری باید به حمایت گسترده برای تشکیل نهادهای مـدنی در سـطوح محلـه پرداختـه و افـراد را بـه عـضویت در آن تشویق نموده، خدمات و آموزش‌هـای شـهروندی ارزان قیمت را از طریق این گروهها که در محلـه هـای خـود مورد اعتماد هستند به شهروندان هر محله ارائه دهنـد و از سوی دیگر از این نهادها به عنوان سـازمانهای واسـط بین مسئولان و شهروندان اسـتفاده نماینـد تـا مـردم بـه مشکلات و چالش‌های مسئولان نیز آگاه شـده و ضـمن تعدیل خواسته‌های خود به رعایـت حقـوق شـهروندی دیگران و احترام به آن بپردازند.

برنامه‌هایی که توسط انجمن‌های محلی در جهت تقویت و آموزش شهروندی می‌توانند مورد استفاده قرار گیرد شامل موارد ذیل است:

۱- کشف نیروهای انسانی محلی و جلـب اعتمـاد و مـشارکت آنـان در سـطح محلـه و تمرکززدایـی از تصمیم‌گیری‌ها و ایجاد شیوه‌های تصمیم‌گیری شـهروند مدار.

۲- برگزاری جلـسات آموزشـی پیرامـون مهارتهـای شهروندی.

۳- چاپ روزنامه‌های محلی بـا محوریـت آمـوزش شهروندی با مشارکت شهروندان محله.

حقوق شهروندی و مشارکت مدنی در محله

مقولـه مـشارکت مـردم در نظـام مـدیریت و برنامه‌ریزی به طور عام از دهه ۱۸۵۰ به بعد و با تغییـر در نقش دولتها و میزان دخالت آنها در برنامه‌ریـزی بـه طور دائمی در حال تحول ودگرگونی بوده به گونه‌ای که در رویکردهای اخیر به مفهوم برنامه ریزی و مـدیریت، دولـت نقـش هـدایت، حمایـت، مـشورت و تـشویق نهادهای محلی را بر عهده دارد و هیچ گونه تصمیم و سیاستی را از بالا دیکته نمی‌کند. چنانکه آزبرن و گبلر درهمین رابطه به نقش سنتی دولت مبنـی بـر فـراهم آوردن امکانات و میانجی گری بین مردم اشاره کـرده و معتقدند که نقش دولت باید تعریف کننده مشکلات مردم و فرآهم سازنده امکانـات حـل ایـن مـشکلات باشد، در تعریف آنها تاکید بیشتر بر تصمیم‌گیری بـه جای ارائه خدمات است، به عبارت دیگر دولت بایـد کمتـر اجـرا کنـد و بیـشتر رهبـری و هـدایت کنـد (Osborne & Gaebler,1993)

برای تحقق حقوق شـهروندان بـا لحـاظ نیازهـای آنان، باید مردم در برنامه‌ها و تصمیمات متخذه بـرای شهر خـود مـشارکت داشـته باشـند. مـشارکت یعنـی مشارکت در خدمتگزاری، برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت در کلیه برنامه های مورد نظـر بـرای شـهر، چـرا کـه استفاده از مشارکت مردمی برابر است با رفع یا کاهش تنگناهـا و معـضلات مـدیریت شـهری. اسـتفاده از مشارکت شهروندی باعث صرف انرژی، زمان هزینه و امکانات کمتر و انجام کارهای بیشتر در شهر می‌شود. مداخله شهروندان در اداره امور باعث آشنایی مستقیم آنان با مسایل شهر شده و این خود منجر به تـصحیح نظـر و تـصور مـردم از مـدیریت شـهری مـی‌شـود. مـشارکت شـهروندی باعـث ایجـاد حـس اعتمـاد شهروندان نسبت به مدیران می شود و متقابلاً مـدیران شهری نیز باید با ایجاد رابطـه مـستقیم بـا مـردم ایـن حس را تقویت کنند.

مشارکت شهروندان در اداره امور شهر نتایج مثبتی را به دنبال خواهد داشت که از آن جمله می‌تـوان بـه موارد ذیل اشاره کرد: کاهش محدودیتها و مـشکلات مدیریت شهری به خـصوص شـهرداری‌هـایی کـه بـا

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-07]

کمبود یا فقدان نیروی متخصص و منابع مالی مواجه می‌باشند، چرا که جلب مشارکت مردم باعث رفع بخشی از نیاز مدیریت شهری به منابع انسانی و مالی می‌شود. صرفه جویی در هزینه‌ها و کاهش صرف انرژی، بدین معنی که با استفاده از مشارکت شهروندان این امکان فراهم شود که با صرف انرژی، هزینه و امکانات کمتر اقدامات بسیاری را در شهر انجام داد. مشارکت شهروندان در اداره شهر باعث افزایش همکاری‌های اجتماعی و نیز افزایش حس تعلق آنان به شهر می‌شود. انجمن‌های شهری و شوراها که در حال حاضر در سطح شهر، ناحیه و محلات شکل گرفته یکی از گزینه‌های بسیار مناسب برای مشارکت شهروندان در اداره امور ونظم و امنیت عمومی و نظارت بر وقایع شهر ومحله خود می باشند.

نتیجه‌گیری

آموزش فرهنگ شهروندی در هزاره سوم چهره دیگری یافته و پیشرفت های جهانی درک جدیدی از شهروندی را الزامی ساخته است. برای همگام شدن با این پیشرفت‌ها شهروندان باید دانش و مهارت های لازم را برای شهروندی مفید و موثر بودن در جامعه جهانی کسب نمایند. آموزش شهروندی به افراد کمک می‌کند تا شناخت شفاف و درستی از نقش خود در جامعه کسب نمایند و درک کنند که چگونه زندگی آنها در جوامع فرهنگی شان تأثیر گذار است. اجتماعات محلی و نهادهای مردم محور می‌توانند با ارائه رفتارهای جدید و نهادینه ساختن آنها در جوامع، نقش موثری در ایجاد و بازتولید مفهوم شهروندی ایفا نمایند. به کارگیری رویکرد محله گرایی در آموزش شهروندی بیش از هر چیز نیازمند انسجام و یکپارچگی ساکنین در یک اجتماع محله‌ای و تقویت بسترها و زمینه های هویت ساز محله‌ای است.

نهادهای مشارکتی در سطح محله انجمن‌ها و شوراهای محله، مدارس و مساجد می باشند. هر کدام از این نهادها می‌توانند نقش مهمی در آموزش شهروندی ایفا کنند. در این مقاله نقش و وظایف هر یک از نهادهای محله‌ای موجود در محلات شهری بیان شد. انجمن های شهری وشوراها که در حال حاضر در سطح شهر، ناحیه ومحلات شکل گرفته یکی از گزینه‌های بسیار مناسب برای مشارکت شهروندان در اداره امور ونظم وامنیت عمومی و نظارت بر وقایع شهر و محله خود می باشد.

پی‌نوشت

1- Antonio Gidenz
2- Citizen
3- Education citizenship
4- John Stuart Mill
5- To build citizenship
6- Habitat
7- Citizenship education in U.K
8- Local Level
9- Non-Governmental Organizations
10- Community-Based Organizations

منابع و مآخذ

۱- امین، سیدحسن، حقوق بشر و کثرت گرایی دینی، ترفند، تهران، ۱۳۷۹.

۲- نجاتی حسینی، محمود، شهروندی و مشارکت، فصل‌نامه مدیریت شهری، شماره ۵، بهار ۱۳۸۰.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-07]

۳- گیدنز، آنتونی، راه سوم بازسازی سوسیال دموکراسی، ترجمه منوچهر محمدی،تهران، ۱۳۸۷.

٤- نژادبهرام، زهرا، مجموعه مقالات همایش «نظارت همگانی، شهروندی و توسعه سازمانی»، شهرداری تهران و دانشکده مدیریت، بهمن ۱۳۸٦.

٥- حبیبی، سید محسن، هنرهای زیبا، شماره ۱۳، دانشگاه تهران،۱۳۸۲.

٦- بشریه، حسین، درس‌های دموکراسی برای همه: انتشارات نگاه معاصر،۱۳۸۰.

۷- اطاعت، جواد، جامعه مدنی و کثرت‌گرایی سیاسی، انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی ایران، تهران، ۱۳۷٦.

۸- برخورداری، مهین، حقوق شهروندی، آموزش و مشارکت مدنی در محله، ارائه شده در همایش علمی- کاربردی توسعه محله‌ای؛ چشم انداز توسعه پایدار شهر تهران.

۹- پیران، پرویز، راهی جز افزایش مشارکت مردم نداریم، شهر و ساختمان، سال اول، شماره دوم و سوم، ۱۳۸۲.

۱۰- حاجی‌پور، خلیل، برنامه‌ریزی محله-مبنا رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار، هنرهای زیبا، شماره ۲۷، تابستان ۱۳۸۵.

۱۱- مدنی پور، علی، طراحی فضای شهری، ترجمه فرهاد مرتضایی، شهرداری تهران، ۱۳۷۹.

۱۲- گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی؛ ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، تهران، ۱۳٦۷.

۱۳- شکری، نادر، حقوق شهروندی، مجموعه مقالات همایش «نظارت همگانی، شهروندی و توسعه سازمانی»، شهرداری تهران و دانشکده مدیریت، بهمن ۱۳۸٦.

۱٤- پاکزاد، جهانشاه، واحد همسایگی، صفه، شماره اول، تابستان ٦۹.

۱٥- صرافی، مظفر، اسماعیل زاده، حسن، شهروند مداری: راهکارهایی برای حل مسائل شهری ایران، مجله ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی (۲۱۸-۲۱۷).

۱٦- آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی؛ {ویرایش ۲}، مروارید، تهران، ۱۳۷۳.

17- Bullen, P. & Onyx, J. (1999), "Social Capital", Family Support Services and Neighborhood and Community Centres in New South Wales, in website http://www.mapl.com.au

18- Osborne, David & Gaebler, Ted (1993), "Reinventing Government-How the Entrepreneurial Spirit isTransforming the Public Sector", Plume, Penguin Books, USA

19- Appelbaum, Steven & Bartolomucci, Nicolas & Beaumier, Erika & Boulanger, Jonathan & Corrigan, Rodney & Dore, Isabelle & Girard, Chrystine & Serroni, Carlo "organizational citizenship behavior: a case study of culture , leadership and trust " managment decision, VoL42,PP(13-40),2004

20- http://www.citizenshipfoundation.org.uk/main/page.php

21- Lynn A. Staeheli,Citizenship and the problem of community,Institute of Geography, University of Edinburgh, Drummond Street, Edinburgh EH8 9XP,Scotland, United Kingdom

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-07]